

محمود مهدوی دامغانی

بخش تراجم

بسم الله الرحمن الرحيم

«نگاهی به کتاب صبح الاعشی»

و

زندگی مؤلف آن

شهاب‌الدین احمد قلقشن‌دی یکی از نویسندگان بزرگ قرن هشتم و نهم هجری است که چند اثر ارزنده از خود بیادگار گذاشته است. و چون مهمترین تألیف او کتاب «صبح‌الاعشی» از منابع استوار تحقیق در فرهنگ اسلامی است. این مقاله را در شرح حال و آثار او تهیه نمودم امیدوارم برای دانشجویان گرامی رشته فرهنگ اسلامی خالی از فایده نباشد.

دوره نسبتاً طولانی پادشاهان «ممالیک» در مصر که از سال ۶۴۸ تا ۹۲۳ قمری را دربر گرفته است از دوره‌های درخشان فرهنگ و ادب اسلامی شمرده میشود. آثار دانشمندان این سه قرن درخور کمال توجه و سرمایه بسیاری از تحقیقات در دوره‌های بعدی است. برای اطلاع از اهمیت این دوره میتوان به کتاب سودمند «عصر سلاطین الممالیک» نوشته محمود زرق سلیم دانشمند معاصر مصری که در هشت جلد بزرگ چاپ شده است مراجعه نمود.

یکی از چهره‌های معروف این دوره ابوالعباس شهاب‌الدین احمد قلقشن‌دی است که در سال ۷۵۶ در شهرک قلقشنده از توابع استان قایوبیه مصر دیده بجهان گشود و

بمناسبت زادگاه خود و برطبق قواعد نسبت عربی به «قلقشندی» مشهور است .

### قلقشنده:

ضبط این کلمه بطوری که ابن خالکان در وفيات الاعیان آورده است بفتح قاف اول و دوم و سکون لام و فتح شین و سکون نون و فتح دال است<sup>۱</sup> . فاصله این شهر تا قاهره سه فرسنگ و در اصطلاح کتب جغرافیایی جزء شهرک‌های ساحلی است . در کتابهای جغرافیایی خیلی قدیمی مانند مسالك و ممالک و البلدان و اعلاق النفیسه بجهت اختصار نسبی نامی از این شهرک نیامده است . یاقوت حموی در معجم نام این کلمه را بصورت «قرقشنده» آورده است<sup>۲</sup> و صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا جغرافی‌نویسان مصری کلمه را بصورت نخست ضبط کرده‌اند مثلاً ابن دقماق مورخ و جغرافی‌دان قرن هشتم مصر مکرراً کلمه را بهمان صورت «قلقشنده» نوشته است<sup>۳</sup> . در منابع جدید و معاصر مصری هم همان ضبط ابن خالکان را نقل نموده‌اند . این شهرک هم اکنون موجود و جمعیت آن ۷۵۰۰ نفر است<sup>۴</sup> . شهاب‌الدین قلقشندی در چند جای کتاب خویش از زادگاه خود بصورتی که ابن خالکان نقل نموده نام می‌برد و گفته او را تصدیق مینماید<sup>۵</sup> بنابراین چون حرف «ر» و «ل» از احاظ مخرج حروف بیکدیگر نزدیک است ضبط یاقوت را بطور مسامحه باید پذیرفت چنانکه هنوز هم در لهجه ایرانی و از جمله در خراسان «ل» و «ر» بیکدیگر تبدیل میشود کلماتی از قبیل «دیوال» بجای دیوار و «یارغال» بجای «یارغار» مؤید این موضوع است . ماخذ نقل مرحوم دهخدا هم درافت‌نامه که «قرقشنده» نوشته شده همان گفته یاقوت است<sup>۶</sup> . و آنکهی ضمن بیان شرح حال لیث بن سعد فقیه برگ اسلامی که اصلاً ایرانی و مقیم این شهر بوده است از آن بهمان صورت قلقشنده در بسیاری از منابع و ماخذ یاد شده است<sup>۷</sup> . و سابقه این شهر بقرن دوم

۱ - وفيات الاعیان ج ۴ ص ۱۲۸ چاپ دکتر احسان عباس .

۲ - معجم البلدان ج ۴ ص ۲۲۷ چاپ بیروت .

۳ - الانتصار لواسطة عمدة الامصار بخش ۲ ص ۴۸ .

۴ - دائرة المعارف فرید وجدی ج ۷ ص ۹۳۱ .

۵ - صبح الاعشی ج ۳ ص ۴۰۳ و ۴۰۴ .

۶ - لغت‌نامه شماره مسلسل ۱۰۹ ص ۴۴۲ .

۷ - مقدمه استاد ابراهیم الابیری بر نهاية الارب ص «ز» .

اسلامی کشیده میشود زیرا لیث بن سعد در سال ۱۷۵ هجری درگذشته است .  
یادآوری این نکته را هم لازم میدانم که بنا بنقل مقریزی در خطط نام یکی از قائل  
مرتفع کوهستان اسوان «قرقشنده» است و مقریزی در مورد کیفیت ضبط این کلمه  
توضیحی نداده است.<sup>۸</sup>

### شرح حال و زندگی :

در این شهر که مشخصات مختصر آن را ملاحظه فرمودید در سال ۷۵۶ هجری  
قمری که مطابق ۱۳۵۵ میلادی است شهاب الدین قلقشندی متولد شد . در مورد نام  
و کنیه و سال ولادتش هیچگونه اختلافی در منابعی که در دسترس بود مشاهده  
نمیشود اما در مورد نام پدرش اختلاف مختصری میان سخاوی نویسنده کتاب ضوء اللامع  
وعینی و مقریزی موجود است بدین معنی که سخاوی نام پدرش را «علی» و آن دو  
عبدالله میدانند و بهمین جهت می بینیم که در برخی از منابع نام عبدالله و در برخی دیگر  
نام «علی» را برای پدرش نوشته اند.<sup>۱۰</sup> استاد ابراهیم الابیاری در مقدمه‌یی که بر کتاب  
نهایة الارب قلقشندی نوشته‌اند در این باره مفصلاً بررسی نموده است و کسانی که مایل  
باشند میتوانند بانجا مراجعه نمایند . خاندان او از خانواده‌های معروف به فضل و کمال  
بوده و نسب آنان بنا بتصریح خود قلقشندی به بنی بدر که از شعبه‌های قبیله بزرگ  
فزاره است میرسد.<sup>۱۱</sup> تولد او در دوره پادشاهی حسن بن ناصر محمد بن قلاون بوده  
و در دوره پادشاهی ابوالنصر شیخ‌المحمودی که از سال ۸۱۵ تا ۸۲۴ در مصر سلطنت  
کرده است درگذشته است.<sup>۱۲</sup> شهاب الدین از همان آغاز طفولیت بواسطه رفاه نسبی  
خانواده خود بکسب دانش و ادب پرداخت و پس از طی مقدمات نخست به فراگیری  
فقه همت گماشت و در سن ۲۲ سالگی بدریافت اجازه تدریس و فتوی نائل آمد. استاد

۸ - خطط مقریزی P. 110, quarant Neuvieme

۹ - معجم المؤلفین ج ۱ ص ۲۱۷ چاپ دمشق .

۱۰ - الضوء اللامع ج ۲ ص ۸ چاپ بیروت .

۱۱ - نهایة الارب ص ۱۷۵ چاپ مصر .

۱۲ - سلوک مقریزی بخش ۱ ج ۲ ص ۸۲ .

او در فقه که سراج‌الدین معروف به ابن‌الملقن بوده در اجازه‌ی بی که به شاگرد خود داده او را بسیار ستوده است. قلقشندی هنگام نقل نمونه اجازات صورت اجازه استاد خود را که برای او نوشته است نقل مینماید. این اجازه از احاط ادبی خواندنی است و در آن انواع صنایع ادبی بکار رفته است<sup>۱۳</sup> بهمین جهت است که می‌بینیم نخستین اثر قلقشندی شرحی است که بر یکی از کتب فقهی شافعی نوشته است. یعنی شرح جامع المختصرات فی الفقه الشافعیه تألیف کمال‌الدین احمد بن عمر مداحی که در سال ۷۵۷ هجری تألیف شده بوده است<sup>۱۴</sup>. همچنین شرحی بر کتاب (الاحاوی الصغیر فی الفروع) که از آثار نجم‌الدین قزوینی شافعی است از قلقشندی بیادگار مانده است. اما اتصال بدیوان انشاء و انتصاب بریاست آن که در سال ۷۹۱ هجری صورت گرفته است موجب گردید که گرایش قلقشندی به ادب و آئین نگارش عربی بیش از دیگر موضوعات باشد. و بهمین جهت است که می‌بینیم بیشتر تذکره‌ویسان از او با عنوان «ادیب» یاد نموده‌اند. قلقشندی سالها در زمره فرمان‌نگاران دربار پادشاهان مصر و نایب حاکم بوده است. بقول ابن تغری بردی که هنگام مرگ قلقشندی ۹ ساله بوده و میتوان او را از معاصران قلقشندی دانست و شنیده‌هایش هم درباره او بواسطه قرب زمان قابل توجه و اهمیت است «قلقشندی تا زمانی که زنده بود نزد حکمرانان مصر محترم و گرامی بود»<sup>۱۵</sup>.

قلقشندی بدین ترتیب که از زندگی نسبتاً مرفه و طرفداری هیأت حاکمه برخوردار بود تا دو سال قبل از مرگ بتکمیل آثار علمی خود همت گماشت و از امکانات سرپرستی دیوان انشاء در باب فراهم آوردن منابع تحقیق بسیار خوب بهره‌برداری نمود. تا در شب شنبه دهم جمادی‌الثانی سال ۸۲۱ در سن شصت و پنج سالگی در قاهره درگذشت<sup>۱۶</sup> در مورد وفات او همچنان که قبلاً هم اشاره شد هیچگونه اختلافی میان تذکره‌نویسان بچشم نمیخورد. فرزندی از او باقی مانده است بنام محمد و مشهور به «ابن ابی‌غده» که از اهل فضل و دانش و شاعر و محدث بوده است. او در ربیع‌الاول ۷۹۷ متولد گردید

۱۳ - مقدمه فهارس صبح‌الاعشی ص «د» چاپ مصر.

۱۴ - کشف‌الظنون ج ۱ ص ۵۷۳.

۱۵ - منهل‌الصافی ج ۱ ص ۳۳۰ چاپ قاهره.

۱۶ - النجوم‌الزاهره ج ۱۴ ص ۱۴۹ ذیل وقایع سال ۸۲۱.

و در ربیع الاول ۸۷۶ در رودخانه نیل غرق شد. برای اطلاع از شرح حال او مراجعه فرمایید به مقدمه نه‌ایه‌الارب فی معرفة انساب العرب و کتب تذکره و رجال. اشاره به این نکته را لازم میدانم که شرح حال قلقشندی در هیچیک از منابع و مآخذی که در دست است از چند سطر بیشتر نیست و اکثر نویسندگان در واقع بشرح آثار او همت گماشته‌اند تلاش مختصری که در این مقاله برای شناساندن شرح حال او شد خوشه‌چینی از این گوشه و آن گوشه است. جای تعجب است که مردی محقق و دانشمند چون «طاش کبری زاده» در مفتاح السعادة تصریح میکند که بشرح حال قلقشندی دست نیافتم و همین قدر میدانم که از نویسندگان بزرگ دربار مصر است<sup>۱۷</sup>. خوشبختانه آثار او شناخته شده و بیشتر آنها هم به چاپ رسیده است. در عین حال اشارات قلقشندی بدوران حیات و وقایع زندگی او در کتابهایش منعکس نگردیده است.

### آثار قلقشندی:

در میان کتب رجال و تذکره و فهرس آثار قلقشندی بطور پراکنده ذکر شده است. مثلاً ابن تفری بردی در کتابهای النجوم الزاهره و منهل الصافی خود فقط کتاب عمده او را که «صبح الاعشی» است نام برده و سپس مینویسد که در فقه و رشته‌های دیگر علوم نیز تألیفات دارد. همچنین ابن عماد در شذرات الذهب بهمین طریق اکتفا نموده است. در لغت‌نامه مرحوم دهخدا چهار اثر از آثار او را معرفی نموده است. یوسف‌الیان سرکیس نویسنده کتاب معجم المطبوعات العربیه نیز چهار کتاب از کتب او را که چاپ شده است معرفی کرده است<sup>۱۸</sup>. آثار او که نگارنده از آنها مطلع شده است بشرح زیر است:

- ۱ - شرح جامع المختصرات که در فروع فقه شافعی است و ظاهراً تاکنون چاپ نشده است.
- ۲ - شرحی بر کتاب «الحاوی الصغیر» که آن هم در فقه شافعی است و چاپ نشده است.

۱۷ - مفتاح السعادة ج ۱ ص ۲۲۵ چاپ دارالکتب المصریه .

۱۸ - معجم المطبوعات العربیه ج ۲ ص ۱۵۲۱ .

۳ - رساله «حلیة الفضل والکرم فی المفاضلة بین السیف والقلم» که از آثار ادبی اوست. این کتاب را قلقشندی در سال ۷۹۴ هجری برای مقرزینی که سمت «دواداری» منصوب شده بوده است تألیف کرده است. نسخه‌ی از این کتاب در «دارالکتب المصریة» موجود است و تمام آن هم در جلد چهاردهم صبح‌الاعشی چاپ شده است.<sup>۱۹</sup>

لازم بنظر میرسد که درباره کلمه «دوادار» توضیح مختصری داده شود. این کلمه بدون تردید مرکب از «دوا» مخفف دوات و «دار» فارسی است و لقب گروهی از کارمندان عالی‌رتبه دربارهای اسلامی بوده که نامه‌های رسیده از اطراف را بعرض پادشاه میرسانیده‌اند و همچنین نامه‌ها و فرمانهای شاه را توزیع مینموده‌اند و شاید معادل رئیس دفتر مخصوص و یا کارمندان دفتر مخصوص سلطنتی در زمان ما باشد. برای اطلاع بیشتر در مورد این کلمه لطفاً مراجعه فرمایید به دائرة المعارف الاسلامیه.<sup>۲۰</sup>

۴ - شرحی بر قصیده «بانت سعاد» کعب بن زهیر. قلقشندی در کتاب نهاية الارب تصریح نموده که چنین شرحی بر قصیده مذکور نوشته و آنرا «کنه المراد» نامیده است.<sup>۲۱</sup> بنابراین حاجی خلیفه در کشف الظنون اشتباه کرده است که این شرح را از آثار احمد بن حجر هیشمی دانسته است.

۵ - قصیده‌ی در مدح حضرت ختمی مرتبت با مطلع:

«عوذت حبی برب الناس و الفلق المجتبی المصطفی الممدوح بالخلق»

بنا بنقل یوسف الیان سرکیس این قصیده بضمیمه کتاب «سبل الرشاد الی نفع العباد» دمنهوری در اسکندریه چاپ شده است و متأسفانه در دسترس این بنده نبود.

۶ - نهاية الارب فی معرفة انساب العرب - که کتاب نسبتاً مفصل و بسیار ارزنده‌ی است. اگرچه قبل از قلقشندی کتابهای فراوانی در انساب عرب نوشته شده است که از جمله میتوان به کتابهای «نسب قریش» تألیف ابو عبدالله زبیری متوفی ۲۳۶ هجری و «جمهرة نسب قریش و اخبارها» تألیف زبیر بن بکار متوفی ۲۵۶ و «جمهرة انساب العرب» تألیف ابن حزم اندلسی دانشمند قرن پنجم هجری اشاره نمود ولی در عین حال

۱۹ - صبح‌الاعشی ج ۱۴ ص ۲۲۱ تا ۲۴۱

۲۰ - دائرة المعارف الاسلامیه ج ۹ ص ۳۰۴ و یا Encyclopedie de l'Islam, vol. II, P. 177.

۲۱ - نهاية الارب ص ۴۲۰.

نهایة‌الارب بجهانی که اشاره خواهد شد درخور کمال توجه است .

این کتاب یکمتر به در سال ۱۳۳۲ هجری قمری در بغداد چاپ شده است و بار دوم در مصر با مقدمه محققانه ابراهیم الایاری . در انتساب این کتاب به قلقشندی جای هیچگونه تردیدی باقی نمیماند زیرا مکرراً در صبح‌الاعشی بتالیف آن تصریح نموده است . این کتاب برای ابوالمحاسن یوسف اموی نوشته شده است . از محسنات کتاب نهایة‌الارب یکی این است که دارای پیوست‌های بسیار خوبی است دوم آنکه بترتیب حروف تهجی مرتب گردیده و باصطلاح معجم است و از این لحاظ کمک شایان توجهی بخواننده میشود . کتاب نهایة‌الارب پس از مقدمه مفصل مؤلف دارای سه بخش عمده است . نخست بحثی که مشتمل است بر تعریف علم انساب و اهمیت آن و مصداق کلمه عرب و طبقات مختلف اعراب و محل سکونت اقوام ایشان . بخش دوم که مهمترین بخش این کتاب است خود دارای دو فصل است . فصل اول در بیان نسب پیامبر بزرگوار اسلام و شاخه‌های مختلفی که از آن بوجود آمده است فصل دوم در شرح قبایل عرب که بترتیب حروف تهجی مرتب شده است . بخش سوم کتاب با عنوان خاتمه شامل معلوماتی در باب ادیان عرب قبل از اسلام و مفاخراتی که میان قبایل عرب صورت میگرفته و جنگهای اعراب یا «ایام‌العرب» و آتشیایی که اعراب بر میافروخته‌اند و بازارهای معروف ایشان است . مراجعه قلقشندی بکتب زیادی برای تنظیم نهایة از خلال این کتاب بچشم میخورد مثلاً برای بیان نسب پیامبر (ص) نخست بآنچه که ابن اسحاق در مغازی و ابن هشام در سیره آورده‌اند استناد جست و سپس موارد اختلاف را بررسی نموده است . در ضمن بیان قبایل عرب از ذکر نام اشخاصی که در طول تاریخ بهر جهت دارای اهمیتی بوده‌اند فروگذاری نکرده است مثلاً ضمن بیان قبیله «بنی‌عباس» داستان عباس بن مرداس را که شاعری بنام و از صحابه حضرت ختمی مرتبت بوده است نقل مینماید همچنین اضافه مینماید که خنساء خواهر صخر که از شاعران عرب است زن پدر این عباس بوده است<sup>۲۲</sup> .

قلقشندی در این کتاب گاه‌گاه خواننده را به کتاب «صبح‌الاعشی» ارجاع میدهد و مثلاً ضمن بیان قبیله «بنی‌جدیمه» که از شاخه‌های قبیله بسیار بزرگ «نخع» است

می‌نویسد: «اشتر نخعی که از طرف امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بولایت مصر گماشته شد از این قبیله است و علی علیه السلام برای او پیمانی نوشته است که از رساترین فرمانهاست و من آنرا در کتاب صبح الاعشی ضمن مبحث فرامین آورده‌ام». بخش مربوط به ایام العرب که در این کتاب آمده است میتواند در حل مشکلات در ادبیات جاهلی عرب کمک شایانی نماید. برای مثال باید یادآوری نمایم که نام یکی از جنگهای عرب و روزی که جنگ در آن روز واقع شده است «یوم التحالق» است. قلقشندی توضیح میدهد که چون در این جنگ یکی از طرفین جنگ موهای خود را تراشیده بودند تا علامت مشخصه داشته باشند بدین مناسبت آن جنگ باین نام معروف شده است. همچنین بخش مربوط به آتشیایی که اعراب بر می‌افروخته‌اند و بخش مربوط به بازارهای همگانی اعراب از بخشهای سودمند این کتاب است و توضیحاتی در پاره‌یی از موارد داده شده است از جمله در مورد «آتش مزدلفه» می‌نویسد که این آتش بر روی کوه مزدلفه در مشعر الحرام در شب عید قربان افروخته میشد تا حاجیان راه را گم نکنند و تا زمان ما (۸۲۱ - ۸۱۷ هجری قمری) همچنین این سنت پای برجاست.

۷ - قلائد الجمال فی التعریف بقبائل العربان - قلقشندی این کتاب خود را پس از نگارش نه‌ایه‌الارب تألیف نموده است و خود در مقدمه آن می‌گوید چون گروه زیادی از قبائل عرب که در نه‌ایه‌بآنها اشاره نموده‌ام از میان رفته‌اند لازم دانستم کتابی در باره نسب اعراب و قبایل عربی مقیم مصر که تا این زمان موجودند تألیف نمایم تا قبایلی را که لازم است از دربار مصر با آنها مکاتبه شود معرفی نمایم و محل سکونت آنان را روشن سازم. این کتاب را قلقشندی بخواهش ابوالمعالی محمد الجهنی رئیس دیوان انشاء تألیف نموده است. نسخه خطی در ۲۲۰ برگ از این کتاب در کتابخانه خدیویه مصر موجود و مورد مطالعه جرجی زیدان قرار گرفته است. در پاره‌یی از منابع مانند کشف الظنون تألیف این کتاب را به پدر قلقشندی نسبت داده‌اند و ظاهراً اشتباه است زیرا علاوه بر تصریحی که در مقدمه آن آمده و بان اشاره شد در برگ ۱۳۵ نسخه خطی کتاب دیگر او که موسوم به «ضوء الصبح المسفر» است نیز تصریح شده که این کتاب از مؤلفات اوست.<sup>۲۳</sup>



کتاب قلائدالجمان ظاهراً آخرین تألیف قلقشندی است و در سال ۸۱۹ از تألیف آن فراغت یافته است .

۸ - ضوء الصبح المسفر وجنی الدوح المشر - این کتاب خلاصه و مختصر کتاب صبح‌الاعشی است . وانصافاً چنین تلخیصی از آن کتاب بسیار بزرگد که پس از این در باره اش مفصلاً صحبت خواهد شد لازم بوده است . جزء اول این کتاب در سال ۱۳۲۴ هجری قمری در مصر در چاپخانه واعظ بهمت و تصحیح محمود سلامه چاپ شده است<sup>۲۴</sup> و ظاهراً بقیه اجزاء آن تاکنون چاپ نشده است همان جزء چاپ شده هم متأسفانه در اختیار این بنده نبود .

۹ - صبح‌الاعشی فی کتابة الانشاء - این کتاب نه تنها مهم‌ترین کتاب قلقشندی بلکه یکی از بهترین مجموعه‌هایی است که تاکنون نوشته شده است . برآستی شاهکار قلقشندی است و تمام تذکره‌نویسان و اهل فضل و ادب زبان بمدح و ثنای او گشوده‌اند . بر شمردن و بیان گفتار ایشان موجب اطناب است . بعنوان یادآوری باید گفته شود که یکی از انواع کتب مبسوط و مفصل که اصطلاحاً مجموعه‌ها یا «موسوعات» و یا دائرةالمعارف نامیده میشود میباشد که در طول ۱۴ قرن تاریخ اسلام با تلاش و زحمت فوق‌العاده دانشمندان که غالباً اهل دنیا و مقام نبوده و دامن همت در راه علم بکمر زده‌اند بوجود آمده است . این خاصیت مجموعه‌نویسی در دوره ماقول و یکی دو قرن پس از آن در شمال افریقا و مخصوصاً مصر بشدت معمول و متداول گردید بنا بگفته جرجی زیدان اگر قرنهای هفتم و هشتم و نهم هجری را دوران مجموعه‌نویسی بدانیم ادعای ناصوابی نکرده‌ایم . بعلاوه در این ادوار گرایش مردم بامور ادبی هم زیاد بوده و این تألیف قلقشندی نموداری از این گرایش است . پیش از قلقشندی هم گروه زیادی از دانشمندان مسلمان آثاری نظیر صبح‌الاعشی داشته‌اند . بیشتر این کتب اگر چه دارای نام خاصی هستند و ظاهراً بنظر میرسد که باید در یک موضوع نوشته شده باشند ولی بصورت مجموعه است مثلاً «نهایة الارب نویری» یا «مسالك الابصار ابن فضل الله عمری» با آنکه نخستین ظاهراً در ادب و دومی در جغرافیاست اما بحق باید آنها را مجموعه‌ای از اعلاوم مختلف دانست ... این نکته را هم باید یادآور شد که از نخستین مجموعه‌نویسان مسلمان

دانشمند بزرگوار ایرانی ابونصر فارابی است که با نگارش احصاء العلوم در باب همه دانشهای متداول عصر خود قلمفرسایی نموده است و نیز اشاره به مفاتیح العلوم خوارزمی و پاره‌یی از آثار ابوعلی سینا لازم است.<sup>۲۵</sup> اما در میان مجموعه‌ها صبح‌الاعشی دارای موقعیت خاصی است که شاید قابل مقایسه با هیچیک از مجموعه‌های دیگر نباشد. خاصه از لحاظ اشتغال بموضوعات مختلف در فرهنگ و تمدن اسلامی. بدون تردید اشتغال قلقشندی بریاست دیوان انشاء که شاید معادل وزارت امور خارجه امروز بوده است و لزوم انجام مکاتبات با ملل مختلف او را واداشته است تا برای شاگردان خود کتابی بوجود آورد که با مراجعه بآن از بسیاری از جهات از کتب دیگر بی‌نیاز باشد. بیهوده نیست که می‌بینیم گروهی از تذکره‌نویسان اسلامی صبح‌الاعشی را با آیه‌یی از آیات قرآن توصیف نموده‌اند که «لایفادر صغیره ولا کبیره الا احصاها» یعنی هیچ چیز کوچک و بزرگ را از قلم نینداخته است.<sup>۲۶</sup> قلقشندی از سال ۷۹۱ که بسمت منشی و سپس رئیس دیوان انشاء منصوب گردید ب فکر نگارش این کتاب افتاد و بطوری که خود تصریح مینماید تا سال ۸۱۴ یعنی بیست و سه سال مشغول فراهم آوردن آن بوده است. تعداد مجلدات این کتاب در کتب تذکره و فهراس مختلف نقل شده است گروهی آن را چهار مجلد بزرگ و گروه دیگری آن را هفت مجلد دانسته‌اند اما امروز میدانیم که کتاب در ۱۴ جلد چاپ گردیده است. صبح‌الاعشی از کتبی است که در زمان حیات نویسنده و قبل از آنکه همه مجلدات آن تمام شود در میان اهل ادب رواج یافته است و نسخ فراوان از آن تهیه و باقطار مختلف عالم اسلام برده می‌شده است و این نکته‌یی است که اهمیت کتاب را میرساند. البته ممکن است سمت اداری مؤلف در این کار بی‌اثر نباشد. ولی بدیهی است که همگان از این جهت بآن کتاب گرایش نداشته‌اند بلکه ارزش ادبی و علمی کتاب مهمترین عامل توجه بآن بوده است. قلقشندی در این باره در پایان کتاب، صبح‌الاعشی چنین می‌نویسد: «تألیفاتی که فراهم میشود بچند صورت است. برخی از تألیفات چنان است که مردم از آنها می‌گریزند و برخی چنان است که مردم بشدت

۲۵ - مفتاح السعاده طاش کبری زاده ج ۱ ص ۳۸ .

۲۶ - معجم المطبوعات بنقل از حاجی خلیفه در کشف‌الظنون ج ۲ ص ۱۲۵۲ .

طالب آنها هستند و گروهی دیگر از تألیفات متوسط‌القدرند. و من خدا را سپاسگزارم که بازار این تألیف رایج است و حتی پیش از آنکه تألیفش تمام شود نسخه‌های فراوان از آن تهیه شده است»<sup>۲۷</sup>.

این سخن قلقشندی خالی از مبالغه و اغراق است. زیرا پس از چاپ کتاب عملاً ثابت گردید که در اندک‌زمانی چاپ اول آن نایاب شد. کتاب صبح‌الاعشی با نظارت شیخ محمد عبدالرسول رئیس تصحیح بخش عربی چاپخانه سلطنتی مصر در خلال سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ میلادی در چهارده جلد بقطع مصری و در ۶۴۴۷ صفحه چاپ شده است و از لحاظ کیفیت چاپ از بهترین نمونه‌های آثار چاپ‌شده دارالکتب است. گروهی از دانشمندان مصری از قبیل احمد محمدشاکر و محمود احمدسعید در تصحیح کتاب متحمل زحمات فراوان شده‌اند با آنکه در سه هزار نسخه چاپ شد ولی در حدود سال ۱۹۶۰ میلادی این کتاب نایاب گردید تا آنکه مجدداً بصورت افست چاپ و با قیمت نسبتاً مناسب در اختیار طالبان آن قرار گرفت. در چاپ کتاب حتی المقدور رعایت اعراب‌گذاری شده است. جای فهرست کاملی برای این کتاب خالی بود که خوشبختانه اخیراً بهمت محمد قنديل النقی و با نظارت دکتر سعید عبدالفتاح عاشور فهرست بسیار جامع و سودمندی برای آن فراهم و در ۶۲۱ صفحه وسیله مؤسسه عالم الکتب مصر در ۱۹۷۲ میلادی چاپ شده است. تهیه این فهرست قدم بسیار مؤثری در آسان‌ساختن اسفاده از این کتاب است. فهرست مذکور شامل اعلام شخصی و جغرافیائی، نام شعوب و امم و قبایل، آیات قرآنی و احادیث نبوی و اشعار و مصرع‌ها و امثال و کتابهای یادشده در صبح‌الاعشی است.

این بنده برای نگارش این مقاله برخورد لازم میدانم که سپاس و ستایش خود را به مؤلفان آن تقدیم نمایم. میزان زحمتی که برای این کار کشیده شده بر خوانندگان گرامی پوشیده نیست و ای کاش چنین همتی در میان دانشجویان و دانش‌پژوهان ماهم بوجود آید تا بسیاری از کتب چاپ‌شده در ایران نیز دارای چنین فهرستی شود. قبل از بررسی موضوعات کتاب صبح‌الاعشی و ارزش‌یابی آن لازم است یادآور شویم که بدیهی است از چنین دائرةالمعارفی هر کس بقدر همت خود خوشه‌چینی میکند و مقصود این

بنده هم فقط ارائه برخی مطالب و گوشزد نمودن آن است و گرنه استقصای همه موارد کاری است که لااقل سالها مطالعه لازم دارد.

### اهمیت و موضوعات کتاب صبح‌الاعشی :

قلقشندی خود در مقدمه ۳۰ صفحه‌یی که بر کتاب نوشته بطور خلاصه محتویات کتاب را بیان نموده است. و آنچه ذیلاً ملاحظه میفرمایید ترجمه و تلخیصی از گفتار اوست و کسانی که مایل باشند می‌توانند بصفحات ۳ تا ۳۳ جلد اول کتاب مراجعه فرمایند. مؤلف ضمن اشاره بدو کتاب سودمند «التعریف بالمصطاح الشریف» احمد بن فضل‌الله عمری و «تثقیف التعریف» ابن ناظر العجیش و تجلیل از نویسندگان آنها به نقیصی که در آن دو کتاب پی‌برده اشاره نموده است و مینویسد در حدود سال ۹۷۱ که بعضویت دیوان انشاء درآمدم مقامه‌یی در باب کتابت و اهمیت نگارش نو شتم و در آن مقامه برسبیل ایجاز و اختصار اصول کلی آئین نگارش را بیان نمودم سپس کسی از دوستان که رأی او مقرون به صواب بود تشویق نمود تا شرح مبسوطی بر آن مقامه بنویسم و اگر چه در آغاز کار امکان فراهم آوردن چنان شرحی موجود نبود ولی خوشبختانه اندک اندک صورت گرفت و عنایت خداوند متعال شامل حال شد و شرح بر مقامه مذکور نوشته شد. ضمناً دو کتاب «تعریف» و «تثقیف» را همواره در مد نظر داشته‌ام. و این کتاب را به نام «صبح‌الاعشی» (بامداد شب کور) نامیدم. سپس ضمن اظهار تواضع اقرار میکند که کار او هم نمیتواند کار کاملی باشد آنگاه موضوعات و ترتیب کتاب خود را چنین شرح میدهد: (این کتاب را در یک مقدمه و ده مقاله و یک خاتمه بشرح زیر مرتب نمودم. مقدمه در باب مبادی و مقدمات نگارش مقاله اول در آنچه که نویسنده بدان محتاج است. مقاله دوم در مسالك و ممالك. مقاله سوم در اموری که در همه انواع مکاتبات باید رعایت شود. مقاله چهارم نمونه‌های مکاتبات مختلف از صدر اسلام تا زمان حاضر. مقاله پنجم در ولایات. مقاله ششم در وصایای دینی. مقاله هفتم در اقطاعات. مقاله هشتم در سوگندنامه‌ها. مقاله نهم در صاحنامه‌ها و پیمانهای میان پادشاهان و فسخ‌نامه‌ها. مقاله دهم در انواع دیگر مکاتبات متداول میان مردم که ارتباطی به مکاتبات دیوانی و سلطانی ندارد. خاتمه در سازمان دیوان انشاء) بطوری که ملاحظه

میشود ظاهراً این کتاب مربوط به آئین نگارش است ولی در واقع دریایی است از اطلاعات گوناگون. و اینک ارزش کتاب را از پارهی جهات مورد بررسی قرار میدهد:

**الف - «ارزش ادبی»:** گذشته از اینکه نثر نسبتاً روان و ساده قلقشندی در این

کتاب نموداری کامل از انشای سلیس متداول قرن هشتم و نهم هجری است و سرمشق بسیار خوبی برای نگارش عربی میباشد میتوان اهمیت ادبی کتاب را در چند مورد خلاصه نمود. نخست آنکه چون نمونه‌هایی از نامه‌های معمول در میان مسلمانان از زمان حضرت پیامبر تا دهه دوم قرن نهم هجری در این کتاب آمده است از لحاظ تطور سبک نثر عربی میتوان بآن استناد جست و در خلال مطالعه آن دریافت که چگونه صنایع لفظی و معنوی اندک اندک در میان مکاتبات و خطب اعراب وارد شده است و کیفیت صعود و نزول قوس این صنعت را در ادوار مختلف درک نمود. مثلاً در مقایسه خطبه منسوب به قیس بن ساعده ایادی که در بازار عکاظ ایراد شده است یا خطبه منسوب به کعب بن لوی جد حضرت رسول با خطب دوره‌های بعد مانند خطبه ابی بکر بن عبدالله استاندار مدینه یا خطبه حجاج بن یوسف ثقفی بخوبی میتوان تطور سبک را احساس نمود. همچنین است در باب نامه‌ها چنانکه مقایسه نامه منصور دوانیقی به محمد بن عبدالله بن حسین (ص ۱۳۱ ج ۱) با نامه علی بن حمزه به عضدالدوله یویوی (ص ۲۶۹ ج ۱) نشان‌دهنده کیفیت تطور سبک نگارش است. بعلاوه نقل مقدار زیادی از نامه‌ها و خطب ادوار مختلف خود دارای ارزش خاصی است که بر خواننده گرامی پرشیده نیست. قلقشندی در اکثر موارد بهنگام نقل خطب و نامه‌ها مدرک و مأخذ نقل مینماید چنانکه خطبه منسوب به کعب بن لوی را از کتاب الاوائل ابو هلال عسکری و خطبه ابوبکر را از کتاب «صناعة الكتاب» ابو جعفر نحاس نقل مینماید. دوم آنکه قلقشندی ضمن نگارش این کتاب همچون معلمی ورزیده و راهنمایی کار دیده کیفیت بکار بردن صنایع ادبی را به خواننده تعلیم میدهد و شواهد فراوان می‌آورد. گویی می‌خواهد تمرین خواننده هم ضمن مطالعه کتاب فراهم شده باشد. مثلاً درباره اموری که نویسنده باید بر آن مسلط باشد مباحث مفصلی در ۲۰۰ صفحه ایراد نموده و وقتی می‌خواهد کیفیت بکار بردن آیات قرآن و استشهاد بآن را یاد آور شود ابتدا به گفتار گروهی از پیش کسوتان ادبیات عرب استناد می‌جوید و از «حسن التوسل» شیخ شهاب الدین محمود حابی و «مثل السائر» ابن

اثیر اهمیت فراگیری قرآن را در مورد نامه‌نگاری ذکر میکند سپس اقوال مختلف در جواز و عدم جواز استشهاد بآیات را بر می‌شمرد آنگاه شواهد بسیار زیادی از چگونگی بکار رفتن آیات قرآن در نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین ارائه می‌دهد (ص ۱۹۰ ج ۱) و نمونه‌های دیگر هم از مکاتبات ادبا و بزرگان می‌آورد و از مقامات حریری و آثار ابواسحق و علاء‌الدین بن غانم مثالهایی را ذکر میکند و سرانجام مواردی را که خود در مکاتبات دیوانی از آیات قرآن شاهد آورده است گوشزد میکند. و در آخر این بحث گفتاری مستوفی در باب لزوم توجه نویسنده به تفسیر قرآن و شرح حال مفسران و سایر علوم قرآنی دارد. این طرز کار در مباحث دیگر کتاب هم بهمین منوال رعایت شده است چنانچه در مباحث بعد که مربوط باستعمال احادیث نبوی در نامه‌هاست باز هم توضیح کافی داده شده است. در مورد علوم معانی و بیان و بدیع اعم از لفظی و معنوی نیز کتابی است که خواننده را سیراب مینماید. سوم آنکه این کتاب مشتمل بر مقدار بسیار زیادی از اشعار و امثال عرب است در فهرست صبح‌الاعشی تنها ۴۰ صفحه اختصاص دارد به ترتیب قوافی اشعاری که در متن کتاب بکار رفته است و این مطالب نشان‌دهنده قدرت زیاد قلقشندی و تسلط کامل او در ادبیات ادوار مختلف شعر عربی است. در صبح‌الاعشی میتوان به اشعار گروه زیادی از شاعران که دواوین آنها در دست نیست دست یافت.

در میان شاعران توجه قلقشندی به فرزندق و متنبی و ابوالعتاهیه نسبتاً بیش از دیگران است. ولی برای اطلاع از میزان تسلط او به تاریخ شعر باید بصفحات ۲۹۱ تا ۲۹۴ جلد اول کتاب مراجعه نمود. در آنجا قلقشندی فهرست مرتبی از نام شاعران دوره‌های جاهلی، و مخضرمین (شاعرانی که دوره جاهلی و اسلام را درک نموده‌اند) و مولدین (شاعرانی که پس از ظهور اسلام در قرن اول و اوایل قرن دوم متولد شده‌اند) و محدثین (شعرای قرنهای دوم و سوم و چهارم هجری) ترتیب داده است. و خصوصیات روحی بسیاری از شاعران را بر می‌شمرد.

همچنین در مورد امثال عرب و کیفیت بکار بردن آن و رعایت تناسب مثل بحثی ارزنده عرضه میدارد. این‌ها که اشاره شد نمونه‌هایی از ارزش ادبی کتاب است. و برای اطلاع بیشتر میتوان به کتاب «الاصول الادبیه فی صبح‌الاعشی» نوشته دکتر مصطفی الشعکه

چاپ بیروت ۱۹۷۱ مراجعه نمود.

**ب - ارزش جغرافیایی:** مقاله دوم کتاب صبح‌الاعشی در واقع مقاله جغرافیایی آنست که با عنوان «المسالک والممالک» نامیده شده و از صفحه ۲۲۷ ج سوم آغاز و به صفحه ۴۲۲ ج ۵ پایان می‌پذیرد و مجموعاً در حدود ۱۲۰۰ صفحه و تقریباً یک پنجم کتاب است. این مبحث از گفتاری در باب شناخت شکل زمین شروع می‌شود. پس از بیان کروی بودن شکل زمین گفتارهای دیگر را که دلالت بر اشکال دیگری برای زمین دارد رد می‌کند. کتاب قانون ابوریحان بیرونی و تقویم البلدان از کتابهایی است که مکرراً بآن دو استناد کرده است. قلقشنندی در مورد نیمکره جنوبی بر طبق معلومات زمان خود اظهار نظر می‌کند و می‌گوید تا چند درجه پس از خط استوا آباد و قابل سکونت است. سپس هفت اقلیم عالم را بر حسب تقسیم‌بندی قدما بیان می‌کند. درباره آبهای زمین ابتدا بذکر اقیانوس اطلس پرداخته و دریای مدیترانه را با عنوان «بحرالروم» و بخشی دیگر از اقیانوس اطلس را با نام دریای برطانیه معرفی می‌کند. خلیج فارس را با عنوان «بحر فارس» و از انشعابهای دریای هند شرح داده است. اقیانوس کبیر را بیشتر با عنوان «دریای چین» مطرح می‌کند. در مورد دریاچه خزر ابتدا همین نام را بر آن نهاده و سپس نامهای دیگر آن را از قبیل دریای جرجان و طبرستان یاد کرده است. بخش بسیار مفصل جغرافیای صبح‌الاعشی بخش مصر است که از احاطه کسب اطلاعات عمومی درباره جغرافیای تاریخی مصر منبعی بسیار ارزنده است. قلقشنندی در این فصل نخست آیات قرآن را که ذکر مصر در آنها شده است و احادیث نبوی و گفتار بزرگان صحابه را که در فضیلت مصر آمده است جمع‌آوری نموده است. سپس بنا بر منابع اقتصادی و معادن مختلف مصر و ارزش‌یابی رود نیل که شریان حیاتی آن کشور است پرداخته است. جغرافیای طبیعی مصر که شامل دریاچه‌ها، خلیج‌ها، سلسله جبالها، و دشت‌های آباد و مزارع حاصلخیز مصر است بخشی دیگر از این مبحث است. برای اطلاع از شهرهای مصر و مخصوصاً موقعیت سیاسی و فرهنگی و هنری قاهره شاید کمتر کتابی بخوبی صبح‌الاعشی باشد. مخصوصاً در باب مدارس و مساجد قاهره که اظهارات قلقشنندی مبنی بر مشاهدات عینی نویسنده است. پس از مصر فصل دیگری درباره شام (بمعنی وسیع کلمه در آن روزگار که شامل کشورهای سوریه، لبنان،

فلسطين، اردن و بخشی از عربستان سعودی و عراق و ترکیه امروز است) نوشته شده است. فصل بعدی جغرافیای عربستان سعودی است که درباره شهرهای مکه و مدینه بیش از نقاط دیگر توضیح داده شده است.

جغرافیای ایران در بخش چهارم مورد رسیدگی قرار گرفته و ایران را بدو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده است. استانهای بزرگ منطقه جنوبی را بدین شرح بر میشمرد: جزیره فراتیه، عراق شامل شهرهای مهم بغداد، سرمن‌رای (سامرا) مدائن و بابل، استان خوزستان و فارس و کرمان و سیستان. استانهای منطقه شمالی را چنین نام میبرد: ارمنستان، آذربایجان، اران، بلاد جبل، دیلم، گیلان، مازندران، قومس، خراسان، زابلستان، و غور. بخش ایران مجموعاً در ۷۵ صفحه از جلد چهارم آمده است یعنی از صفحه ۳۲۳ تا ۳۹۸ و میتواند نمایشگر دیدِ معبریان در آن دوره دربارهٔ این سرزمین باشد. پس از ایران جغرافیای توران و ماوراءالنهر و طخارستان و بدخشان و سرزمین چین و خطا و سپس سرزمین‌های جنوبی شبه جزیره عربستان و کشورهای واقع در خلیج فارس و سپس هندوستان با همه عجایب آن سرزمین و نواحی غربی مصر و کشورهای شمالی آفریقا مانند تونس و مراکش و بخشی از آفریقای غربی و مرکزی مطرح شده است. از قاره اروپا نام کشورهای مختلفی در این کتاب آمده است مثلاً انگلستان با عنوان «جزیره انکلطرة» و پایتخت آن با نام «لندروس» و آلمان و فرانسه و جنوا هر کدام فصلی را بخود اختصاص داده است. بنابراین توجه میفرماید که بخش جغرافیای این کتاب از لحاظ کمی و کیفی بسیار سودمند است و میتواند منبع ارزنده‌ی برای تحقیق باشد.

### ج - ارزش تاریخی: اگرچه در کتاب صبح‌الاعشی مقاله‌ی بطور مستقل برای ذکر

امور تاریخی وجود ندارد ولی در همان بخش جغرافیا ضمن شرح ممالک و مسالک یا دوره تاریخ عمومی جهان در آن دوره آمده است.

اولین موضوع بحث تاریخی در این کتاب بخش خلفا و جانشینان حضرت پیامبر است. نخست طبقه خلفای راشدین که قلقشندی ۵ نفر یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و عبّی بن ابیطالب و حسن بن علی علیهما السلام را شایسته آن عنوان دانسته و معتقد است خلافت واقعی تا موقعی بود که امام حسن از کار کناره‌گیری فرمود و پس از آن خلافت



اسلامی تغییر ماهیت داده است (ص ۲۷۰ ج ۳). طبقه دوم خاندان اموی هستند که از معاویه تا مروان بن محمد را برشمرده است. طبقه سوم بنی‌عباس در عراق هستند که از سفاح تا مستعصم تمام ۳۸ نفر را برشمرده و آغاز و انجام و مدت خلافت هر یک را ذکر نموده است و یکی از بهترین و خلاصه‌ترین منابعی است که برای حفظ نمودن و فراگیری اسامی خلفای بنی‌عباس در دست است. طبقه چهارم شامل شرح حال خلفای عباسی در مصر است. مراکز عمده خلافت اسلامی را در چهار نقطه خلاصه نموده که بترتیب مدینه نبوی، عراق و شام و قاهره است.

قلقشندی در این مورد از خلفای فاطمی مصر سخنی بمیان نیاورده و ظاهراً نمیتوانسته است در آن زمان ایشان را جزو طبقات خلفای اسلامی محسوب نماید. آنگاه در بخش‌های مختلف ضمن بیان جغرافیای آن سرزمین تاریخ‌سلسله‌های سلطنتی را بیان میکند مثلاً در مورد مصر پادشاهان ادوار مختلف حتی قبل از طوفان نوح را؟ نام میبرد و بنای مصر را به پادشاهی نسبت میدهد که فقط با چهار واسطه به آدم میرسد این بخش مانند افسانه‌های تاریخی همه ملل عالم قابل اعتماد و استناد نیست. ضمناً پادشاهی گروهی از ایرانیان را هم در مصر تأیید مینماید (ص ۱۷۴ ج ۳). دولت فاطمی و حکومت ممتد آنان را در مصر در این بخش از کتاب خود آورده است و در کمال ایجاز از آنان گذشته است و این مطلب نشان میدهد که اوضاع سیاسی زمان قلقشندی مناسب با بسط مقال بیشتری در باب فاطمیان نبوده است زیرا بلافاصله پس از بحث مختصر فاطمیان ماوک ترک مصر را با جمله دعائیه «خدا الله تعالی دولتهم» مورد بحث قرار داده است. همچنین در مورد تاریخ شام و سرزمینهای شرقی مدیترانه بحثی مستوفی ایراد نموده است و از تسلط کوروش بدان سرزمین و آباد کردن بیت‌القدس یاد نموده (ص ۱۶۱ ج ۴).

آنچه که درباره تاریخ ایران در این کتاب آمده است مجموعه‌یی است از دورترین روزگار تاریخی تا زمان مؤلف. طبقات مختلف پادشاهان ایران را با ذکر اسامی و مدت پادشاهی هر گروه یاد نموده و در این باره در مقدمه چنین مینویسد:

«سرزمین ایران از آغاز تاریخ بشری همواره در اختیار پادشاهان همان سرزمین قرار داشته و مؤید صاحب حماة میگوید که این سلسله بزرگترین سلسله شاهنشاهی

عالم است» (ص ۴۱۱ ج ۴). سلسله سلاطین ایران قبل از اسلام را مانند بسیاری دیگر از مورخان بچهار دوره تقسیم نموده است. نخست پیشدادیان «فیشداذیه»، دوم کیانیان، سوم اشکانیان «اشفانیه» و چهارم ساسانیان «اکاسره». قلقشندی گاه‌گاه الفاظ فارسی را توضیح داده و به عربی ترجمه نموده است مثلاً «مینوسد جمشید یعنی پرتو ماه «شعاع القمر» و یا بهمین یعنی نیک‌اندیش «حسن النیة». اما در دوره بعد از اسلام طبقه‌بندی فرمانروایان ایرانی در این کتاب بطریق مخصوصی است. نخست عمال خلفای راشدین در ایران و سپس عمال دولتهای اموی و بنی‌عباس را برشمرده است و سپس آل بویه و سلاجقه مخصوصاً سلاجقه عراق را مورد رسیدگی قرار داده و پادشاهان را نام برده است.

اشاره‌ی هم به حکومت خوارزمشاهیان دارد و بعد وضع دولت مغولان را بحث نموده است. از دولتهای طاهری، سامانی، صفاری و غزنوی در بخشهای دیگر یاد کرده است. قلقشندی بهمین ترتیب برای هر یک از ممالکی که در مقاله «المسالک والممالک» از آنها یاد نموده شرح سلسله‌های حکومتی را بیان داشته است.

بدیهی است که نمیتوان برای کار قلقشندی در تاریخ اهمیت‌ی را که برای کتابهای عمده فن تاریخ مانند آثار طبری و ابن‌اثیر و مسعودی و ابوالفداء قائل هستیم قائل شد و بی این نکته را نباید از یاد برد که در مجموعه نویسی معمولاً نویسنده از تخصص زیادی برخوردار نیست.

#### د - اهمیت از لحاظ آداب و رسوم درباری و اجتماعی و اداری: یکی دیگر از

ارزشهای مهم کتاب صبح‌الاعشی بیان آداب و سنن و کیفیت طبقه‌بندی مشاغل سیاسی و درباری و تشریفات دستگاه خلافت اسلامی است. صبح‌الاعشی از این جهت منبع بسیار سودبخشی است و گروه زیادی از نویسندگان تاریخ و فرهنگ اسلامی از جمله جرجی‌زیدان در مباحثی که نموده‌اند فصولی را عیناً و بدون هیچگونه تغییر از آن برگزیده‌اند. برای مثال باید به بعضی از قسمتهای کتاب اشاره شود. و شواهدی نقل نمایم تا مطالب روشن‌تر گردد. در ص ۲۷۰ تا ۲۷۲ جلد سوم کتاب بحثی درباره کیفیت پذیرش سفرای خارجی و حاضر شدن ایشان در نزد خلیفه و تشریفات مربوط بآن و

چگونگی حضور سپاهیان در آن مراسم که گاه هفت هزار سپاهی وهفتصد خادم بوده‌اند ایراد شده است. همچنین درباب علائم و نشان‌های خاص خلیفه که از آن به «شعار خلافت» تعبیر نموده بعد کافی توضیح داده شده است و ابزار و وسایل و لباسهای مخصوصی را که فقط خلیفه حق استفاده از آن را داشته معین ساخته است مثلاً «خاتم» (مهر و یا انگشتر مخصوص خلافت) و برده که عباى حضرت پیامبر بود که از طرف آن حضرت به کعب بن زهیر در قبال سرودن قصیده «بانت سعاد» عنایت شده بود و چوبدست مخصوص آنحضرت که ظاهراً در اختیار خلفا بوده است. همچنین درباره رنگ لباس خلیفه در دوره‌های مختلف، رسوم و تشریفات دربار سلاطین از قبیل چگونگی استفاده از تاج و شمشیر و دوات مخصوص و سایه‌بان و امرایی که مأمور حمل این اشیاء در مراسم رسمی هستند و مقام و مرتبه هر یک از ایشان نیز بدقت بیان شده است. مراسم تفویض حکومت مناطق مختلف اسلامی بسلاطین محلی با ذکر شواهد متعدد از قبیل کیفیت انتصاب طغرل ساجوقی و چگونگی ارسال خلعت و فرمان انتصاب از مراکز خلافت برای فرمان‌روایان بحث ارزنده دیگری از این کتاب است. مشاغل دولتی دستگاه خلافت عباسی را بدو دسته تقسیم نموده است نخست وظایف و مشاغل سپاهیان یا به تعبیر خود او (ارباب سیوف) و دیگر وظایف ارباب قلم. در ذیل این مبحث به مشاغلی چون ولایت مظالم، وزارت، حاجبی، نقابت، قضاء، حسبت، رسیدگی به اوقاف، رسیدگی بامور مساجد، امارت حج بطور مفصل رسیدگی نموده است. برای اطلاع از منابع مالیاتی و کیفیت وصول آن نیز مأخذ بسیار خوبی است. مثلاً منابع درآمد مملکت مصر را بدو بخش تقسیم نموده است نخست منابع درآمد‌های شرعی که شامل مالیات زمین‌های مزروعی و معادن و زکات و جزیه و گمرک کالاهایی که غیر مسلمانان وارد مینموده‌اند و ماترک مردگان بدون وارث است و در مورد درآمد‌های غیر شرعی هم توضیح میدهد ملاحظه میفرمایید که این اطلاعات برای آگاهی از تمدن و جریان امور اداری ممالک اسلامی چقدر سودبخش است. منابع ثروت خلفا و خزانه‌های مهم ایشان در چند موضوع ذکر شده است. خزانه اول کتابخانه‌های سلطنتی است که از مهمترین خزاین بحساب می‌آمده و حداقل ده هزار جلد کتاب در آن نگهداری میشده است و در ضمن موزه‌یی هم بوده که آثار علمی کهنه و نسخ کتبی که بخط مؤلف بوده و نمونه‌هایی

از خطوط عالی خطاطانی چون ابن مقله و ابن یو اب در آنجا نگهداری میشده است. همچنین هر کتابخانه تلاش میکرده تا به قرآنهای تاریخی که بخط پیشوایان مذهبیه نوشته شده بیشتر دست پیدا کند. خزانه دوم لباسهای سلطنتی بوده است. خزانه سوم بنا نام «خزانه الشراب» نامیده شده که در واقع انبار دواهای مختلف و شربت های گوناگون طبی و معجونها و مرهمهای مختلف بوده است. خزانه چهارم شامل انبارها و سیلوهایایی بوده که انواع خوراکی را در آن اندوخته میکردند و قاقشندی مینویسد که در زمان ما به آن «حوائج خاناه» میگویند. پنجم خزانه فرشهای گران بها. ششم خزانه سلاحهای جنگی و ابزار و ادوات پیکار که از آن به «زرادخاناه» تعبیر مینماید. هفتم خزانه اموال و موزه جواهرات مخصوص دستگاه خلافت یا پادشاه. درجات مختلف سپاهیان در دولت فاطمی مصر و خلاصه وظایف هر یک و میزان حقوق و مزایای ایشان و نیز شرح وظایف هر یک از متصدیان امور کشوری بحث جالب دیگری است. همچنین در مورد آداب و سنن اجتماعی و جشن های اسلامی و ملی هر قزم بویژه مصریان نیز بتفصیل سخن گفته است مثلاً میتوان چگونگی پذیرایی در جشن فرخنده ولادت پیامبر اسلام و ولادت علی بن ابیطالب (ع) در دولت فاطمی را در صفحات ۴۹۸ تا ۵۰۴ جلد سوم کتاب ملاحظه نمود و نیز چگونگی برگزاری نمازهای عید قربان و فطر و سفره های اطعام شهبای ماه رمضان و جاوس سلطان برای استماع گزارش رئیس دیوان قضا در اول نیمه رجب و شعبان و جشن سالگرد فتح خلیج و حتی سنن نوروز و سده ایرانیان را در این کتاب بیان نموده است.

مواردی که اشاره شد نمونه هایی از مطالب این کتاب است که هر یک میتواند زیربنای مقاله تحقیقی مفصالی باشد و خیال میکنم بنا بر مثل معروف که «مشت نمونه خروار است» همین مقدار برای پی بردن بارزش کتاب کافی باشد.

**۵ - ارزش از لحاظ آئین نگارش نامه ها :** اگر چه ما در دوره یی هستیم که نگارش ساده و روان رایج است و باید مواظبت بر حفظ این روش نمود. ولی در مورد ادبیات کلاسیک می بینیم که عنوان نامه و اصول نامه نگاری غیر از این زمان بوده و رعایت رسوم خاصی در آن باب لازم بوده است. همچنین از نظر درک صحیح معانی عناوین نامه ها که بسیار زیاد در کتب فارسی و عربی بکار رفته نیاز به منبع و مرجعی است تا بتوان معنای

آن را خوب و درست درک نمود. بدون مبالغه صبح‌الاعشی یکی از بهترین و ارزنده‌ترین ابن منابع است. در خلال این کتاب اولاً با آداب نامه‌نگاری با طبقات مختلف آشنا می‌شویم و مثلاً بابی مبسوط در جلد هفتم کتاب در مورد آئین نامه‌نگاری با سلاطین مشرق - زمین بچشم می‌خورد و نمونه‌ی از نامه قلاوون پادشاه مصر به سلطان احمد القان خان پادشاه وقت ایران نقل شده است در مورد القاب و عناوین معموله در آن زمان قلمکشندی فهرست جامعی بر حسب حروف تهجی در ۱۸۸ صفحه تنظیم نموده است و در مقابل هر یک از عناوین توضیح داده که برای چه طبقه‌ی بکار میرفته است و آیا باید در مکاتبات رسمی و اداری از آن عنوان پرهیز نمود یا نه. مثلاً درباره عنوان «اخوی» توضیح میدهد که این عنوان باید در نامه‌های دوستانه و برادرانه «اخوایات» بکار رود گاهی هم در مکاتبات رسمی دیوانی ممکن است میان دو پادشاه رد و بدل شود مشروط بر آنکه قدر و منزلت ایشان یکسان باشد. و یا در مورد لقب و عنوان «اریب» توضیح میدهد که آنرا فقط باید برای نویسندگان بکار برد. در صورتیکه در مکاتبات اصول پیشنهادی و جمع‌آوری شده وسیله قلمکشندی رعایت شده باشد که معمولاً رعایت هم میکرده‌اند ملاحظه می‌فرمایید که از القاب میتوان به مشاغل افراد پی برد. البته باین نکته باید توجه داشت که وضع القاب در بسیاری از مال اسلامی امری است ذوقی و نمیتوان مدعی شد که همه القاب در این کتاب جمع‌آوری شده است و مثلاً القاب و عناوینی مانند «آیه الله» یا «حضرت» که امروز در ایران بسیار معمول و سابقه ممتد تاریخی هم دارد مطلقاً در در این کتاب نیامده است.

**و - کتاب‌شناسی در صبح‌الاعشی:** دیگر از ارزشهای بسیار روشن این کتاب که نمیتوان آنرا نادیده گرفت معرفی مقدار بسیار زیادی از کتب مختلف علمی است که قلمکشندی برای تنظیم کتاب خود بآنها مراجعه نموده است. و گاه در چند سطر موضوع و نویسنده کتاب را معرفی نموده است. همچنین در فصل خاص با عنوان «لزوم شناخت کتابخانه‌های مهم و انواع علوم و کتب مربوط بآنها» علوم اسلامی را به هفت شاخه تقسیم نموده و برای هر یک از شاخه‌ها تقسیمات دیگری در نظر گرفته است بطوری که مجموعاً ۶۴ علم از علوم متداول در عصر خود و منابع تحقیق در آنها را معرفی نموده است. اولین علمی که مورد بحث قرار گرفته علم ادب است که در آن ده رشته (لفت،

صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قوافی، قوانین الخط، وقوانین قرائت) را رسیدگی کرده و در هر رشته کتب مربوطه را معرفی نموده است. در این کتاب آثار بسیاری از دانشمندان ایرانی نیز معرفی شده و مورد استفاده قلقشندی در تنظیم کتاب صبح‌الاعشی قرار گرفته است از قبیل «ارشاد» ابوریحان بیرونی در علم احکام نجوم و استیعاب همان دانشمند در علم تسطیح کره و یا آثار خاندان نویختی و ابن سینا و دیگران. با مراجعه به فهرست صبح‌الاعشی متوجه میشویم که در حدود ۷۰۰ جلد کتاب در تنظیم کتاب مذکور مورد استفاده قلقشندی بوده است. این اختصاصات که برای صبح‌الاعشی برشمرده شد تنها از دید نگارنده است و چه بسا که هر کس باین خرمن سترگ مراجعه کند بنحو دیگری خوشه‌چینی نماید و برآستی میتواند بشعر حافظ تمثیل آورد که «شهریست پرکرشمه خوبان زشش جهت» و اگر این بنده نتوانسته است کما هو حقه درباره علوم مختلف این کتاب توضیح دهد همانست که بضاعت علمی در خور و شایسته را نداشته است که «چیزیم نیست ورنه خریدار هر ششم».

آرژومندم دانشجویان گرامی رشته‌های علوم نظری بویژه آنان که در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی بتحصیل اشتغال دارند باین کتاب و امثال و نظایر آن توجه نمایند و بدین منظور در صدد تقویت زبان عربی خود برآیند تا بتوانند خود استفاده کنند و بدیگران بهره رسانند.